



کارگاه آموزشی آشنایی با روش پژوهش کیفی  
( تحلیل انتقادی گفتمان )

مجری : دکتر اکبر صالحی

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت

مدیر گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

[salehihidji2@yahoo.com](mailto:salehihidji2@yahoo.com)

آذرماه 1401



تعریف روش پژوهش:

روش منظم گردآوری طبقه بندی و تحلیل داده های کمی و کیفی به منظور پاسخ گویی به سوالها یا فرضیه ها مبتنی بر نقشه از پیش تعیین شده

روشهای پژوهش ( ویژگیها )

- منظم و مطابق با طرح پژوهش
- دقیق و مبتنی بر شواهد و مستندات
- بدون دخالت سو گیری محقق
- نوآوری و افزودن به دامنه دانش

بدست دادن نتایج جدید و تحلیل های بدیل

## انواع روشهای پژوهش

- کمی ( مبتنی بر دادههای آماری ، داده پردازي  
پیشرفته)

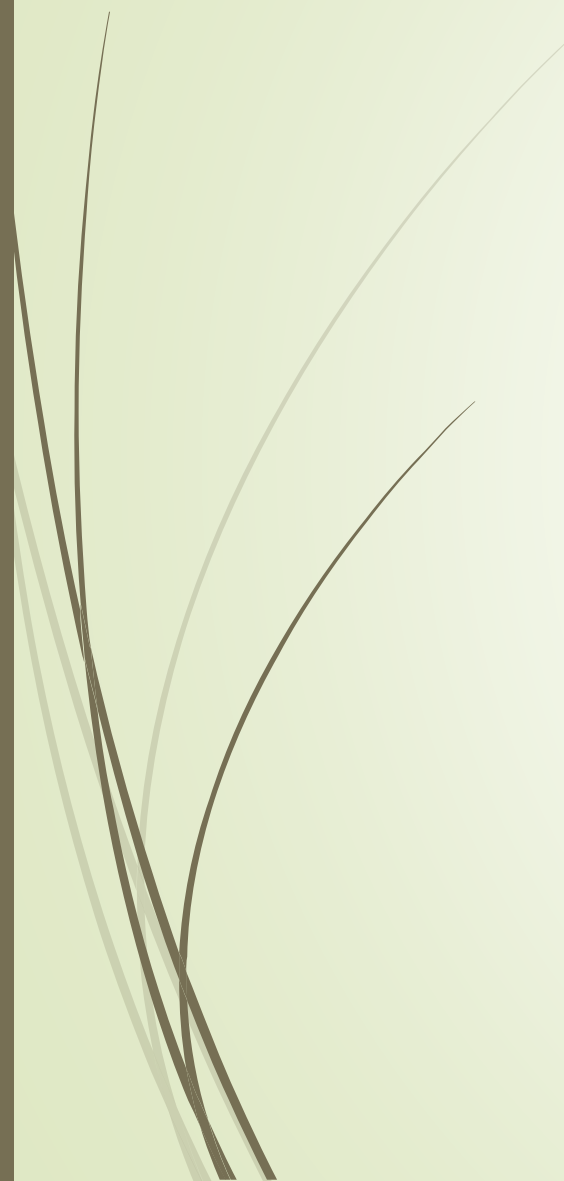
کیفی ( مبتنی بر تحلیل های ذهنی ، استدلالی ، برخی  
روشهای آماری توصیفی، جدول نمودار و...)  
کیفی و کمی ( تلفیقی از هر دو روش)



انواع روش‌های پژوهش کیفی  
( تحلیل محتوای کیفی، قیاسی استنتاجی، تحلیل  
مفهومی، روایت پژوهی، پدیدار شناسی،  
وتبارشناسانه، تحلیل انتقادی ، نقد و... )



# رویکرد پژوهش کیفی (تحلیل متن یا تحلیل محتوای کیفی)





انواع تحلیل با رویکرد تحلیل

- تحلیل انتقادی انتقادی گفتمان ( فرکلاف، لاکلا وموفه

و...)

- نقد ( بیرونی، درونی)

- تبار شناسانه و تاریخی



## - تعاریف تحلیل انتقادی گفتمان

- کاربرد زبان در رابطه با صورتبندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که بازتاب نظم اجتماعی و کنش متقابل میان افراد و جامعه است. (جاوروسکی و کاپلان، ۱۹۹۹، ۳)
- پژوهش درباره‌ی نحوه‌ی کاربرد زبان در ورای محدوده‌های جمله، مطالعه‌ی روابط متقابل زبان و جامعه، مطالعه‌ی ویژگی‌های تعاملی و گفتگویی روابط روزمره. (اسلم بروک، ۲۰۰۱، ۲۹)
- فنون تحلیلی که برای آشکارسازی الگوهای فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان مندرج در گفتمان به کار می‌روند (کنل و گالاسینسکی، ۱۹۹۶، ۱۶۵-۱۸۶)
- فراتر رفتن از صورت‌های قابل رؤیت زبان، رسیدن به زمینه‌های اجتماعی و کشف رابطه‌ی متقابل میان زبان و فرایندهای اجتماعی (جاوروسکی و کاپلان، ۱۹۹۹، ۴۷)





تمایز تحلیل گفتمان با سایر تحلیل های نوشتاری  
بنیان های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن و یا نوشتار است. گفتمان  
مجموعه گزاره هایی در بردارنده ی مفهومی کلی است. در تحلیل گفتمان  
مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه ی وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیر  
کلامی و رابطه ی ساختار و واژه ها در گزاره های کلی نگریسته می شود. هر کدام  
از واژه ها مفهوم خودشان را دارند، اما در شرایط و اذهان آدم های مختلف  
معنای متفاوتی پیدا می کنند. برای مثال، رستاخیز در نظر فرد مسیحی متفاوت  
از رستاخیز مورد نظر شخص آزادی خواه است.

## طبقه بندی کلی تحلیل گفتمان

در یک نگاه کلی، تحلیل گفتمان را می توان به دو گروه تقسیم کرد: «تحلیل گفتمان متأثر از [آرای] میشل فوکو و تحلیل گفتمان متأثر از سنت زبان شناسی در اروپا و کشورهای انگلیسی زبان به ویژه استرالیا، انگلستان و آمریکا. هر یک از این رویکردها بر بعدی از گفتمان و تحلیل متمرکز می شوند. رویکرد فوکویی بیشتر به مفاهیم کلان مانند پراکسیس، قدرت، گفتمان ها و دانش می پردازد؛ در حالی که گفتمان مبتنی بر زبان شناسی بیشتر بر سطوح خرد متن متمرکز می کند و شاید از متن به سوی بافت کلان تر نیز حرکت کند» (تیلور، ۱۳۹۷: ۱۳).

## تحلیل انتقادی گفتمان لاکلائو وموفه

ارنستو لاکلائو و شانتال موفه نظریه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی خویش را با تلفیق دیدگاه‌های فردینان دوسوسور و ژاک لاکان در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالستی بیان کردند. نظریه‌ی این دو بر اساس ماهیت رابطه‌ای و غیر ذاتی بودن معانی و عدم تثبیت کامل آنها بنا نهاده شده است. به عقیده‌ی آنها همه‌ی امور گفتمانی هستند و هر نشانه‌ای معنی و هویت خود را تنها با قرار گرفتن درون شبکه‌ای از نشانه‌های دیگر، که روی هم رفته یک نظام نشانه‌ای را تشکیل می‌دهند، کسب می‌کند (لاکلائو وموفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵)

# مفاهیم مرتبط با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان لاکلا موفه



## Articulation مفصل بندی

مفصل بندی فرایندی است که طی آن نشانه‌ها با هم جوش خورده و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۷: ۳۷-۴۳). «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای میان عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه‌ی عمل مفصل بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل بندی می‌نامیم» (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵) مفصل بندی موجب تولید نظام معنایی می‌شود.

## دال و مدلول

مفاهیم دال و مدلول از کلیدی‌ترین مفاهیم مطالعات زبان‌شناسی هستند. هدف فیلسوفان و زبان‌شناسان از طرح این مفاهیم تبیین چگونگی تکوین مفاهیم، واژگان و به طور کلی زبان بوده است. دال اشخاص، مفاهیم، عبارات، و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی معین دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند نیز مدلول نامیده می‌شود. (کسرائی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳-۳۴۴).





## دالّ مرکزی Nodal point

دالّ مرکزی از دیگر مفاهیم مهم نظریه‌ی گفتمان لاکلائو و موفه است. هر گفتمان از مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا دال‌های مرکزی تشکیل شده است. این دال‌های مرکزی در نظام معنایی گفتمان نقش اساس دارند و مهم‌ترین مفاهیمی هستند که بدون آنها گفتمان فرو می‌پاشد. به عبارت دیگر، «به مثابه عمود خیمه هستند که اگر برداشته شوند، خیمه فرو می‌ریزد»

(کسرائی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴).



## دال سیال (شناور) Floating Signifier

دالی که مدلول آن غیر ثابت و سیال باشد را دال شناور می گویند. به عبارت دیگر، هر کدام از گفتمان‌ها تلاش می‌کنند تا مدلول مورد نظر و مطلوب خودشان را به دال سیال منتسب کرده و از این طریق به آن تعریفی واحد و معین بدهند. در خلال همین تثبیت دال‌های سیال است که برخی از گفتمان‌ها پیروز شده و برخی دیگر نیز از دور رقابت خارج می‌شوند. دال‌های شناور با اینکه به طور مستقیم در معنابخشی به دال مرکزی کاربردی ندارند، اما به صورت غیر مستقیم در معنادهی به نظام گفتمانی کمک فراوان می‌کنند. به طور مثال، آموزش را می‌توان دال سیالی گرفت که مدلول‌هایی چون آموزش اسلامی، آموزش سکولار، آموزش اخلاقی، آموزش عرفی و از این قبیل می‌تواند داشته باشد. تثبیت دال‌های سیال و تلاش برای دادن معنایی ثابت به آنها عرصه‌ی رقابت میان گفتمان‌هاست.

## دال تهی (خالی) Empty signifiers

دال تهی حاکی از وجود فضایی خالی و نشانی است از وجود امر غایب. کارکرد دال تهی نشان دادن وضعیت اتوپیایی و مطلوبی است که هر کدام از گفتمان‌ها تلقی متفاوتی از آن دارند. وجود دال تهی نشانگر ناتوانی گفتمان حاکم در محقق کردن آن است. پس می‌شود گفت که دادن معنا به دال تهی و نمایاندن هیئت وضعیت مطلوب، موجب پویایی گفتمان‌ها می‌شود. (لاکلا، ۱۹۹۴: ۴۹) با نظر داشت به دال‌های تهی می‌توان آینده‌ی گفتمان‌ها و عملکردشان را تا حدودی پیش‌بینی کرد؛ هر گفتمانی که بتواند دال‌های خالی را پیش‌بینی کرده و در مسیر پرکردنشان گام بردارد،





## زنجیره‌ی هم‌ارزی و تفاوت Difference Equivalence

هر گفتمانی متشکل از دو دسته عناصر است که از پیوند آنها زنجیره‌هایی تحت عنوان زنجیره‌ی هم‌ارزی و زنجیره‌ی تمایز شکل می‌گیرند. این دو مفهوم در حقیقت معرف عناصر خودی و غیر خودی یک گفتمان هستند و هویت گفتمان را کامل می‌کنند

## هژمونی

از نظر لاکلائو و موفه هژمونی زمانی حاصل می‌شود که دال خاصی به مدلولش نزدیک شده و اجماع بر سر معنای آن دال حاصل شود. پس آنگاه که گفتمانی به این جایگاه نایل آید که با تکیه بر دال مرکزی موجود نظام معنایی دلخواه خود را به جامعه بقبولاند و مورد اقبال عمومی واقع شود، این گفتمان هژمونیک خوانده می‌شود



## دسترس پذیر بودن Availability

برای اینکه گفتمانی بتواند در اذهان مردم جا خوش کرده و خود را به عنوان عرصه‌ای مطرح کند که می‌تواند مانع تشتت‌هایی معنایی و سردرگمی بابت ازدیاد دال‌های تهی و شناور شود، بایستی که بیشترین افراد جامعه با آن احساس راحتی کرده و حاکمیت آن را پذیرا باشند. طبعاً گفتمان‌ها تنها با تکیه زور و اجبار نمی‌توانند هژمونیک شده و دوامشان را تضمین کنند



## اعتبار Credibility

اعتبار به معنای سازگاری اصول گفتمان با باورهای مقبول جامعه است. در هر دوره‌ای از تاریخ می‌توان قواعدی را سراغ گرفت که اکثریت مردم آنها را پذیرفته و به آنها باور دارند. برای مثال، مذهب در ایران همواره یک اصل عام و معیار اعتبار بوده و گفتمان‌هایی که ضدیت با مذهب را در پیش گرفته‌اند، اعتبار خود را از دست داده و از جانب مردم طرد شده‌اند (حسینی زاده ۱۳۸۶: ۳۸).

## برجسته‌سازی و حاشیه‌ای کردن

حیطه‌ی رقابت میان گفتمان‌های مختلف، عرصه‌ی بر صدر نشانیدن روایت‌هایی و به ذیل کشاندن روایت‌های دیگری است. آنانی که روایتی مغایر با روایت گفتمان حاکم از شرایط عینی دارند و دال‌های خالی را با زبانی پر می‌کنند که زبان پذیرفته‌شده‌ی گفتمان حاکم نیست، ناگزیر طرد شده و به حاشیه رانده می‌شوند.

# Otherness      ضدیت و غیریت Antagonism

فهم نظریه‌ی گفتمان بدون توجه به مفاهیم ضدیت و غیریت بسیار دشوار خواهد بود. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. گاه در برابر یک گفتمان، غیرهای متعددی وجود دارد که آن گفتمان از آنها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده می‌کند. با تکیه بر همین مؤلفه‌ها تمایز خودی از غیر خودی راحت خواهد شد.



## عنصر و وقته ElementMoment

انسجام گفتمان‌ها به ثبات رابطه‌ی دال و مدلول از یک سو و ثبات رابطه‌ی دال‌ها با دال مرکزی از سوی دیگر وابسته است. دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند «وقته» می‌نامند. هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. هر گفتمان به طور طبیعی، یکی از آن معانی را بر حسب هم‌خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌کند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز ذیل یک گفتمان قرار نگرفته و در واقع از گفتمان حاکم طرد شده‌اند (مثل حذف آموزش عرفی از نظام آموزشی ایران بعد از انقلاب).



## انسداد یا توقف Closure

گفتمان‌ها همواره تلاش می‌کنند تا هر چه بیشتر به دال‌های شناور معنا داده و آنها را مطابق اصول گفتمانی‌شان تعریف کنند. انسداد یا وقفه همان فرایندی است که طی آن دال‌های شناور معنا گرفته و درون گفتمان جذب می‌شوند. لازمه‌ی تثبیت دال شناور، انتساب معنای مورد نظر گفتمان به آن و طرد دیگر معانی رقیب و متعارض است. نباید از یاد برد که هیچ گفتمانی به صورت کامل تثبیت نمی‌شود و همواره در وضعیتی مابین تثبیت کامل، بی‌قراری و زوال کامل قرار خواهد داشت



## ● مراحل کلی تحلیل گفتمان

مرحله اول: توصیف نظم گفتمان و گفتمان‌ها

گفتمان حاضر در ردیف چه نوع گفتمانی قرار می‌گیرد؟ (حاشیه‌ای، مقاومت، مسلط و هژمونیک)؟

نقطه یا نقاط کانونی این گفتمان کدام‌اند؟

دال مرکزی این گفتمان کدام است؟ دال تهی آن کدام است؟

دقایق این گفتمان کدام‌ها هستند و چگونه حول دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شوند؟

بر اساس منطق تمایز در این گفتمان چه خرده گفتمان‌هایی می‌شود از آن استخراج کرد؟

وضع مطلوب و آرمانی پیشنهادی آن کدام است؟ و چه چیزی را نفی می‌کند؟

چه سوژه‌هایی را خلق می‌نماید؟

با توجه به منطق هم‌ارزی و تمایز هر سوژه دارای چه هویتی است و چگونه تعریف می‌شود؟ (فجری و

نظری، ۱۳۹۱: ۱۲۹-۱۳).

## مرحله ی دوم: چگونگی تکوین گفتمان

در این مرحله سه مفهوم بینامتنیت، بیناگفتمانیت و غیریت‌سازی به کار رفته است؛ غیریت‌سازی موجب تکوین گفتمان مورد نظر به صورت بینامتنی و بیناگفتمانی می‌شود. در همین مرحله نیز میزان بینامتنیت و بیناگفتمانیت یک گفتمان مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## مرحله سوم: چرایی هژمونیک شدن گفتمان

در این مرحله مفاهیمی مانند اعتبار و دسترس پذیری، هژمونی، عاملان سیاسی و طرد و برجسته سازی به کمک پرسش های زیر باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

عامل سیاسی: عامل یا عاملان سیاسی برجسته ی این گفتمان که بوده و جهت هژمونیک شدن این گفتمان دست به چه اقداماتی زده اند؟ و نقش آنها چه بوده است؟

دسترس پذیری: گفتمان چگونه در دسترس قرار می گیرد؟ عاملان و شبکه ی دسترس پذیری آن کدام اند؟ میزان دسترس پذیری این گفتمان در مقایسه با گفتمان های دیگر چه قدر است؟

اعتبار: این گفتمان اعتبار خودش را از کجا کسب کرده است؟ آیا این گفتمان با خواست ها و مطالبات اکثریت مردم همخوانی داشته است یا خیر؟

هژمونی: این گفتمان در هژمونیک شدن خودش از چه ابزاری جهت غلبه بر دیگر گفتمان ها استفاده کرده است؟ و با چه شیوه هایی پیش رفته است؟

طرد و برجسته سازی: این گفتمان در این جهت از چه ابزار زبانی و استراتژی های گفتمانی و موضوعات تئوریک استفاده کرده است؟ ابزارهای مورد استفاده در بخش طرد و برجسته سازی در حیطه ی غیر زبانی چه بوده است؟ چه معانی، هویت ها و کردارهایی را برجسته و چه معانی، هویت ها و کردارهایی را طرد کرده است؟)



پایان

با تشکر از صبر و حوصله شما عزیزان  
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی  
دانشگاه خوارزمی  
اذرماه 1401